

نظر علامه طباطبائی درباره دارالتبلیغ آیت الله شریعتمداری

۵ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۶

یکی از افرادی که در این ماجرا درگیر بود، علامه طباطبائی بود که روابط مناسبی با آیت الله شریعتمداری داشت و در ضمن با امام خمینی هم بی ارتباط نبود. آیت الله میلانی، آیت الله انگجی و بسیاری دیگر هم درگیر این ماجرا شده بودند. متن نامه علامه حاوی پیشنهادهایی است که بتواند این مشکل را حل کند.

زمانی که فکر تأسیس دارالتبلیغ توسط آیت الله شریعتمداری مطرح شد، بلافاصله امام خمینی و به پیروی از ایشان، طلاب و روحانیون انقلابی، با آن به مخالفت برخاستند. ما شرحی مفصل در این باره در کتاب جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران آورده ایم. به اجمال عرض می کنیم، دلیل این مخالفت آن بود که روحانیون انقلابی با دولت درگیر بوده و به دلیل رویه ای که از آقای شریعتمداری می شناختند، و اخباری که در باره ایجاد یک دانشگاه اسلامی مستقل از حوزه از طرف دولت شنیده می شد، احتمالات مختلفی را در این باره مطرح کرده و آن را اقدامی ناصواب در آن شرایط می دانستند.

این اختلاف به شدت بالا گرفت و برای مدتها مطرح بود تا آن که حل نهایی آن به صورت حذف صورت مسأله، یعنی تبعید امام به ترکیه و از آنجا به نجف، به انجام رسید. این نامه در چهارم آبان سال نوشته شده و ۱۳ آبان همان سال امام تبعید گردید.

دارالتبلیغ تأسیس شد و در حوالی سالهای ۴۷ - ۴۸ آیت الله گلپایگانی به مخالفت با آن برخاست. در این زمینه دهها سند در پرونده آیت الله گلپایگانی در ساواک که به صورت یک کتاب سه جلدی چاپ شده وجود دارد.

بحران بر سر دارالتبلیغ چندان ادامه یافت که به انقلاب رسید و پس از آن هم با خلع آیت الله شریعتمداری از مرجعیت و تصرف دارالتبلیغ توسط نیروهای انقلابی خاتمه یافت. این داستان موضوع یک پژوهش بسیار جدی است. این تحقیق بدون انتشار کامل اسناد پرونده آیت الله شریعتمداری ممکن نیست که امیدواریم چنین شود.

یکی از افرادی که در این ماجرا درگیر بود، علامه طباطبائی بود که روابط مناسبی با آیت الله شریعتمداری داشت و در ضمن با امام خمینی هم بی ارتباط نبود. آیت الله میلانی، آیت الله انگجی و بسیاری دیگر هم درگیر این ماجرا شده بودند. متن نامه علامه حاوی پیشنهادهایی است که بتواند این مشکل را حل کند.

علامه از ده ماده پیشنهاد سخن می گوید اما در این نامه پنج مورد آن آمده است. مقایسه این نامه با آنچه مرحوم آیت الله مجاهد ربانی شیرازی برای آیت الله میلانی نوشته نشان می دهد که مرحوم ربانی و مرحوم علامه با یکدیگر در ارتباط بوده اند. نامه مرحوم ربانی حاوی ده پیشنهاد در کتاب آیت الله العظمی میلانی به روایت اسناد ساواک ج ۲، ص ۱۹۶ - ۱۹۷ درج شده است. سند زیر که نامه ای است که مرحوم علامه طباطبائی در باره مسائل اختلافی مربوط به دارالتبلیغ برای آیت الله میلانی نوشته است. اخیرا به همت آقازاده آیت الله میلانی، مجموعه ای از اسناد و نامه هایی که افراد مختلف برای آیت الله میلانی نوشتند و یا

ایشان برای دیگران، در این مجموعه چاپ شده است. در میان آن دهها نام از امام به آیت الله میلانی است که بسیار ارجمند است. این اسناد با عنوان علم و جهاد در دو جلد، در قم منتشر شده است.

ما نامه زیر را از میان آن نامه ها انتخاب کرده خدمت دوستداران تقدیم می کنیم. از آقای ابادری که نامه را از روی خط علامه خوانده و تحریر کردند سپاسگزاری می کنم. این نامه در صفحات ۴۳ - ۴۷ مجلد دوم کتاب علم و جهاد به چاپ رسیده است.

رسول جعفریان

مشهد مقدس

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی آقای میلانی متع الله المسلمین بطول بقائه

۲۰ ج ۲، ۴۳ (چهارم آبان ماه ۱۳۴۳)

السلام علیکم و اسعد الله ایامکم

درست سی و هفت روز است که با سلام تودیع از حضور مبارک مرخص شدیم و نظر به این که می خواستم در اولین نامه محصلی از اوضاع این سامان و نتیجه تلاش هایی که برای رفع اختلافات فعلی به عرض رسانیده باشم، نتوانسته ام مصدع گردیده، عرض اخلاص بنمایم.

امید دارم پیوسته وجود مقدس عالی مغمور تأییدات ظاهره و باطنه خداوندی - عز اسمه - و توجهات خاصه صاحب این عصر (عج) بوده، ملال و کلالی در کار نباشد.

مربوط به پاره ای از مطالب که در آخرین ملاقات مذاکره شده بود:

۱- راجع به حجه الاسلام آقای حاج آقا عزالدین زنجانی وانتقال به تهران با حضرت آقای جزائری صحبت شد. از قرار معلوم فعلا زمینه تمام مساعدی که یکی از مقدمات آن مسجدی مناسب حال ایشان باشد، وجود ندارد و در هر صورت اگر بنای انتقال شان باشد، باید مدتی همین طور در تهران بسر برند تا تدریجاً در شرائط مساعدی که پیش می آید برای پیشرفت کارشان استفاده شود.

۲- در موضوع آقای قاضی و این که به عنون زیارت مشرف شده در مشهد مدتی توقف کند، فردای روزی که به تهران وارد شدیم، در بیمارستان مهر به ملاقات معظم له رفته و به مناسبتی همان مطلب را با خودش در میان گذاشتم، معلوم شد بر خلاف آنچه ما در مشهد تصور می کردیم ایشان در بیمارستان نیز تحت توقیف است و اجازه خروج ندارد و تا کنون هم که بیستم شهر ج (جمادی الثانیه) می باشد در بیمارستان و تحت توقیف می باشد.

۳- در خصوص اختلافات مربوط به دارالتبلیغ باید عرض کرد که این مسئله یکی از مسائل بغرنج این حوزه قرار گرفته و تا کنون راه حلی حقیقی برایش پیدا نشده است و کسان زیادی که به منظور جمع کلمه با آقایان وارد مذاکره شده اند با شکست مواجه گشته اند و اغلب واردین صوراً هم اگر نباشد معنا با آقای شریعتمداری موافقت و حجت آقای خمینی را قانع کننده نمی دانند. هفته گذشته آقای انگجی قم مشرف شده، با هر دو آقا ملاقات کرد که در بعضی از آنها بنده نیز شرکت داشتم؛ به جایی نرسید و ناچار تا کنون به عرض عالی رسانیده اند. این مدت که بنده مراجعت کرده ام جز یک مباحثه به هیچ کاری نرسیده ام، به طور مداوم منزل ما تردد است. چند مرتبه تا کنون با آقایان ملاقات و مذاکره کرده ام، نتیجه ای نبخشید.

طرحهای اصلاحی که به آقایان پیشنهاد شده، مورد موافقت قرار نگرفته. آقای شریعتمداری با هرگونه طرح اصلاحی موافق است به شرط شیء (وجود دارالتبلیغ) و آقای خمینی به شرط لا (عدم دارالتبلیغ) دو طرح نیز بنده پیشنهاد کرده بودم که از ناحیه آقای

خمینی رد شد.

اخیراً یکی از طرح‌های بنده که گویا با تغییراتی آقای خمینی پذیرفته و به بنده ابلاغ کرده بود همین امشب ۲۲ ج ۲ با آقای شریعتمداری ملاقات و مذاکره کردم. اول رد کردند و پس از کشمکش زیاد بنا گذاشته شد که فکر کنند، طرح مزبور که در ده ماده تنظیم شده بود و کمی تغییر داده شده محصلش این بود که آقایان معاً دست به اصلاح کلی حوزه بزنند و طبعا دارالتبلیغ نیز نیز در حوزه ادغام شود و در زمینه این منظور؛

اولاً دفتری مشتمل بر احصاء محصلین و نام و نشان و مشخصات آنان تنظیم شود

و ثانیاً محصلین به فقها و مبلغین و غیر ایشان تقسیم و طبقه بندی و برای هر طبقه برنامه تحصیلی خاص و امتحانی مناسب بوده باشد

و ثالثاً برای هر رشته استادان آزاد معین شود و کسی مجبور به تعلّم از استاد معین نباشد

و رابعاً آقای شریعتمداری حق دارد که از هر طبقه بخواهد عده‌ای در مدرسه خود جای دهد به شرط این که این مدرسه تشکیلات خاصی مغایر تشکیلات عمومی حوزه نداشته باشد

و خامساً آقای شریعتمداری اسم مدرسه خود را دارالتبلیغ نگذارد بلکه اسم دیگری که مفهوم این معنی نباشد انتخاب کند. این بود خلاصه طرح بنده.

فکر می‌کنم بالاخره بین آقایان التیام داده می‌شود. کثرت مراجعه و اصرار که البته اکثر آن متوجه آقای خمینی است تأثیر خود را خواهد کرد، ولی در سر اصلاحات باز شاخسانی بند خواهد شد.

دلم مطلب (!) این است که عده‌ای از هواخواهان هر یک از آقایان می‌خواهند مرجع خود را رئیس منحصر به فرد قرار دهند و در این راه از هیچ گونه تحریک و دسیسه و ایجاد اختلاف فروگذاری نمی‌کنند.

فعلاً زمینه همین است و سر کار می‌توانید در خصوص تشریف فرمائی موقت تان در مطالب فوق تأمل فرموده، تصمیم مقتضی بگیرید.

فقط آنچه تذکرش را لازم می‌دانم این است که در صورت تصمیم مثبت اگر خواستید تشریف بیاورید دو نکته را مورد توجه قرار دهید. اول این که خروج از مشهد به طور سری انجام داده، طول راه از مشهد تا قم را متنکراً طی فرمائید و با ماشین نه طیاره (تا می‌توانید)

و ثانیاً چند روز پیش از حرکت به بنده یا به سائر علاقه‌مندان اطلاع دهید که منزل مناسب و سایر تدارکات لازمه قبلاً تهیه شود و به منزل خودتان وارد شوید نه منزل یکی از آقایان. البته منزل این بنده نیز منزل خودتان است.

در خاتمه وعده‌ای را (یا کالوعد) که راجع به آقای ربانی شیرازی به بنده، فرموده بودید تذکر می‌دهم. بنا بود هر ماه چیزی به آقای نامبرده بفرستید، اگر به طور نامرتب هم باشد، خیال می‌کنم بی‌میل نباشد.

خدمت آقازاده خودم، آقای حاج سید محمد علی - سلمه الله و ایده و سده - سلام مشتاقانه دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

محمد حسین طباطبائی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/20807/> شریعتمداری-اللہ-آیت-دارالتبلیغ-دربارہ-طباطبائی-علامہ-نظر